

Interview with Peter Maurer President of the ICRC

مصاحبه با پیتر مائورر^۱

رئیس کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ



پیتر مائورر^۲ در رشته‌ی تاریخ و حقوق بین‌الملل در شهر برن تحصیل کرده و در همان جا موفق به اخذ مدرک دکترا شده است. وی در سال 1987 وارد خدمات دیپلماتیک سوئیس شد و از آن پس موفق به تصدی مناصب مختلفی در برن، پرتوریا و نیویورک گشت. در سال 2000 او به عنوان سفیر و رئیس بخش امنیت انسانی در اداره‌ی سیاسی سوئیس شعبه‌ی امور خارجه در برن منصوب شد و در سال 2004 سفیر و نماینده‌ی دائمی سوئیس در سازمان ملل متحد در نیویورک گشت. آقای مائورر در ژانویه 2010 به عنوان وزیر کشور در امور خارجه در شهر برن منصوب شد، ایشان پس از جکوب کلنبرگر^۳ در 1 ژوئیه 2012 به ریاست کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نائل گشت.

¹ برگردان به فارسی: مرجان قنبری

² Peter Maurer

³ Jakob Kellenberger

در این مصاحبه، آقای مائورر تاریخ غنی کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ را بازگو خواهد کرد، درک خویش از تکامل تدریجی این سازمان را بیان کرده و دیدگاه خود را نسبت به چالش‌های پیش روی بخش بشردوستانه به ویژه کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ مطرح خواهد نمود.⁴

به نظر جناب عالی، این صد و پنجاهمین سالگرد چه اهمیتی دارد؟

صد و پنجاهمین سالگرد معرف فرصتی مهم در تاریخ کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ برای انعکاس جهت گیری آینده‌ی این سازمان است. اگرچه مؤسسين کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، ایجاد یک سازمان خیریه بین‌المللی را که چندین قاره را در بر بگیرد مد نظر داشتند، اما قطعاً از ایجاد موج اتحادی که در دهه‌های بعدی برای مجروحین و بیماران در صحنه‌ی نبرد، اسرای جنگی‌ای که دور از وطن خویش در بازداشت بودند، و میلیون‌ها غیرنظامی متأثر از مخاصمات مسلحانه بی‌خبر بودند. این یک رؤیای بشردوستانه است و جنبشی است که با مواجهه با چالش‌های بی‌شمار و ارائه کمک‌های بی‌نظیر برای کاهش آثار مخاصمات مسلحانه و سایر وضعیت‌های خشونت بار نسبت به جمعیت‌های آسیب پذیر 150 سال به طول انجامیده است.

بنده به عنوان فردی که در رشته‌ی تاریخ تحصیل کرده است به خوبی می‌دانم که صد و پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان ما واجد هیچ معنای عینی مهمی نیست؛ زیرا وقایع مهم تاریخی معمولاً با ایجاد رخ نمی‌دهند. اما این رقم نمادین دارای قدرتی است که نشانگر پرورش چند نسل تجربه است. تاریخ به ما یک عدسی حساس می‌دهد که از درون آن می‌توانیم به آینده نگاه کنیم. این سالگرد به ما فرصتی می‌دهد تا هویت و ریشه‌ی خود را درک کنیم و آن چه را که در گذشته به دست آورده‌ایم به طور کامل تحلیل نماییم و از این طریق مسیر آینده‌ی خود را ترسیم نماییم و برای چالش‌های پیش رویمان بهتر آماده شویم. ما باید سعی کنیم حوزه‌هایی را که در سال‌های آینده ممکن است به فعالیت‌مان ارتباط پیدا کنند تعیین نماییم، تا پاسخ کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ به بحران‌های بشردوستانه و توانایی این سازمان در دسترسی به مردم نیازمند دقیق تر و مؤثرتر شود. صد و پنجاهمین سالگرد باید بیش از آن که فرصتی برای تبریک به خودمان باشد، بازتاب جهت گیری آینده و فداکاری‌های مجدد باشد. هر چه که باشد، انگیزه‌ی پشت کار ما از زمان نگارش آخرین صفحات اثر تحسین برانگیز هانری دونان به نام «خاطرات سولفورینو» تغییری نکرده است. بلکه چیزی که تغییر می‌کند چگونگی انطباق پاسخ این سازمان با الگوهای مختلف مخاصمه و موضوعات گوناگون است. بنابراین، من فکر

⁴ این گزارش در مقر کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در ژنو در تاریخ 10 اکتبر 2012 توسط ونسنت برنارد، سردبیر، و الوینا پاتلت، دستیار سردبیر تهیه شده است.

می‌کنم که «150» نماد قدرتمندی است که باید محرک ما برای انعکاس، انطباق و ترسیم دورنما و انرژی‌های جدید برای آینده باشد.

شما تکامل هویت کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ را چگونه توصیف می‌نمایید؟

چیزی که در نخستین ماه فعالیتیم در این سازمان توجهم را جلب کرد ماهیت قوی روش کار ما شامل: عزم راسخ مبنی بر نزدیکی به قربانیان، ابتدای فعالیت‌ها در پاسخ به نیازها و نه برنامه‌های سیاسی، موردی کردن پاسخ‌های بشردوستانه، و اتحاد دوباره‌ی فعالیت‌های امداد‌رسانی، حمایتی و پیش‌گیری بود. در شرایط مخاصمات مسلحانه، خشونت مسلحانه و جابجایی به عنوان نتایج مستقیم تصمیمات طرفین مخاصمه بر جمعیت‌های مردمی اثر می‌گذارند. در این زمینه، فعالیت‌های امداد‌رسانی، حمایتی و پیش‌گیری بی‌تردید مرتبط خواهند بود. کسی نمی‌تواند بدون توجه به نقش متخاصمان و سیاست‌های آن‌ها نسبت به گروه‌های آسیب پذیر، به آن‌ها کمک رساند یا برای آن‌ها قائل به حمایت شود. حال، همان طور که در سال‌های اخیر مشاهده کرده‌ایم، طرفین مخاصمه‌ی مسلحانه بیش تر از آن که به کنترل و بررسی سیاست‌هایشان نسبت به غیرنظامیان گرایش داشته باشند، پذیرای مقررات امداد‌رسانی هستند. در حالی که برنامه‌های امداد رسانی اغلب مستلزم توانایی‌های لجستیکی و عملیاتی قابل توجه‌ای هستند، این راهکارهای حمایتی هستند که دسترسی منظم و بدون تأخیر به جمعیت‌های در خطر را تضمین می‌کنند. برقراری ارتباطی مناسب میان مفاهیم گوناگون در عین حال که چالش بزرگی است، فرصتی هم برای سازمان ما تلقی می‌شود.

دوم آن که، چیزی که ما آن را به عنوان فعالیت اصلی کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ توصیف می‌کنیم نیز مستلزم توجه دقیق است. در سال‌های اخیر، شاهد آن بوده‌ایم که کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ عملیات خود را در سایر شرایط خشونت بار غیر از مخاصمات مسلحانه در معنای دقیق کلمه- به عبارت دیگر، شرایطی که در آستانه‌ای پایین تر از اعمال قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار می‌گیرند، اما به عنوان سایر اشکال خشونت شناسایی شده و تحت مقررات حقوق داخلی و قواعد حقوق بشر هستند، تقویت نموده است. ما به طور فزاینده‌ای خود را در حال کار در حوزه‌های حساس‌تری خارج از مخاصمات مسلحانه می‌یابیم و من نیز با ایده‌ای که منتهی به این مسیر شده است هم نظر هستم. در عین حال، این تصور که تعداد مخاصمات مسلحانه کم‌تر شده است به نظر بنده تصویری گمراه کننده است؛ گذشته‌ی نه چندان دور خلاف این برداشت را به ما نشان داده است. در واقع، در حالی که یقیناً شمار مخاصمات مسلحانه‌ی سنتی بین‌الدولی کم تر شده است، اما تحلیل وضعیتی که ما امروز در آن اشتغال داریم نشان می‌دهد که ما در حال حرکت به سوی آینده‌ای هستیم که ممکن است در آن تداوم یا حتی افزایش مخاصمات متعارف میان متخاصمین مسلح مانند بازیگران دولتی و غیردولتی از جمله الگوهای مخاصماتی که فکر می‌کردیم سال‌ها پیش منسوخ شده‌اند وجود داشته باشد.

بنابراین من فکر می‌کنم که تمرکز بر ریشه و علت این مأموریت یعنی مخاصمات مسلحانه و سایر وضعیت‌های خشونت بار و حمایت از جمعیت غیر نظامی امری مهم است. حوزه‌های اصلی این فعالیت به صورت کاملاً منطقی شامل سلامت، آب، و بهداشت و هم چنین غذا و خوراک در جوامع ضعیف می‌شود. افزون بر این فعالیت‌های مهم، همه‌ی ما آگاهیم که جهان پیچیده‌تر از این‌هاست، و مشکلات در هم تنیده‌اند، و هیچ مرز جدی‌ای میان یک حوزه‌ی موضوعی با حوزه‌ی دیگر نیست و ما باید مانند گذشته، انعطاف پذیر باشیم، تا بتوانیم جهت فعالیت خود را به سوی فوری‌ترین نیازهای بشردوستانه قرار دهیم. پس از چند ماه ریاست در کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ نخستین برداشت من این بود که ما بسیار به هدف نزدیکیم و فعالیت‌های ما در راستای بخش اصلی مأموریت ما است.

به نظر شما روابط کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ با سایر نهادهای جامعه‌ی بشردوستانه چگونه است؟

جامعه‌ی بشردوستانه، کارکنان و سازمان‌های آن در دهه‌های اخیر به شدت تغییر کرده‌اند. ما شاهد شمار بیشتری از سازمان‌های بشردوستانه یا حداقل سازمان‌هایی که ادعا می‌کنند مأموریت یا رسالتی بشردوستانه دارند هستیم. من بر این باورم که باید برای تعریف روابطمان با این سازمان‌ها، چه از طریق همکاری نزدیک تر، در صورت امکان، یا از طریق تصدیق شفاف تر وجه تمایزمان، بسته به حوزه‌های مربوطه، بیشتر تلاش کنیم. در سال‌های اخیر، خود کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در سیاست 2011-2014⁵ خویش، به این امر اذعان نموده است که مشارکت ما با سایر بازیگران جامعه‌ی بشردوستانه باید توصیف شود. بنده شخصاً معتقدم که کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ به نحو فزاینده‌ای نیازمند همکاری - در داخل و خارج از نهضت صلیب سرخ و هلال احمر - با سایر بازیگران است تا در برآورد اهداف و تحقق مأموریتش موفق شود. از نظر من شناسایی شرکای مناسب و کار کردن با آن‌ها به کارآمدی بیش تر در تحقق هدفمان یعنی دسترسی به قربانیان منجر می‌شود.

⁵ Editor's note: See ICRC Strategy 2011-2014: Achieving Significant Results for People in Need. available at: <http://www.icrc.org/eng/assets/files/publications/icrc-002-4050.pdf> (last visited November 2012).



به عنوان یک قاعده در خصوص فعالیتهای امدادی و حمایتی، بنده باور دارم که مسلماً ما باید در حوزه‌هایی که کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در امداد رسانی به و حمایت از جمعیت‌های آسیب پذیر، به ویژه برای فراهم نمودن دسترسی فوری به کسانی که بیش تر تأثیر پذیرفته‌اند دارای ارزش افزوده‌ی حتمی است جدی‌تر کار کنیم. با در نظر گرفتن شمار رو به افزایش سازمان‌ها، برای آن که به قربانیان به موقع و در حوزه‌های ضروری‌تر کمک شود ساماندهی و تنظیم امداد رسانی امری ضروری است. چیزی که تازگی دارد همان نیاز به بحث و گفت و گو با سازمان‌های دیگر است، برای آن که بفهمیم کارشان چیست و در مورد حوزه‌های همکاری بالقوه و حوزه‌هایی که مختص هر یک از ما است تدبر کنیم. هم چنین لازم است درباره‌ی بهترین روش بسیج مشترک منابع مورد نیاز، به نفع قربانیان، و در پاسخ به دغدغه‌ی خیرین مبنی بر ساماندهی ناکافی کمک‌ها بیاندیشیم.

میزان همکاری بسته به هر حوزه‌ی فعالیت متفاوت خواهد بود. در طی بازدیدیم از سوریه تأیید صریحی از این امر به دست آوردم. اگر فقط بخواهم دو مثال بزنم: نخست، هنگام بازدید از یک انبار کمک‌های غذایی، مشاهده کردم که سهمیه غذایی که برای توزیع میان جمعیت سوری ارائه شده بود در یک جا قرار داده شده بود و بسته به سازمان مربوطه (که دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، برنامه جهانی غذا، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، و جمعیت هلال احمر قطر بودند) به نحو متفاوتی مرتب شده بود. آیا تقویت همکاری برای آنکه بتوانیم بر سر دقیق‌ترین نیازها و بهترین روش توزیع این کمک‌ها توافق کنیم مفید نخواهد بود؟ دوم، همان روز درباره‌ی مسئله‌ی بازدید از زندان‌ها با مراجع سوری گفت و گو داشتم. یکی از پرسش‌هایی که برای آن‌ها مطرح بود این بود که گزارش‌های کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ خطاب به چه کسی خواهد بود. تضمین محرمانگی گزارشات و توصیه‌های ارائه شده به مراجع برای رسیدن به شرایط مورد نیاز کمیته بین‌المللی

صلیب سرخ - در مقابل - مانند مصاحبه‌ی افراد، فهرست جامع زندانیان، بازدید متناوب با امکانات یکسان، و غیره امری ضروری است. بر خلاف مثال کمک‌های غذایی، در این مورد ضروری است که با مراجع بر مبنای رابطه‌ی دو جانبه کار کرد. به نظر من، این موارد دو مثال واقعی از نیاز به همکاری میان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ و سازمان‌های دیگر و محدودیت‌های آن هستند.

به نظر من، همکاری تنها در سطح عملی رخ نمی‌دهد. برای آن که به خوبی با یکدیگر کار کنید، شما باید بدانید که همکاری شما در چه مورد و تا چه میزان است. در این راستا، من نقشی دارم که باید در سطح راهبردی آن را ایفا نمایم. مسئله گفت و گوی کامل و جدی با شرکای اصلیمان و مشارکت مداوم با سازمان‌های غیر دولتی^۶ مانند پزشکان بدون مرز^۷، آکسفام^۸، یا کودکان را نجات دهید^۹، و کار کردن با نهادهای بشردوستانه‌ی مهم سازمان ملل متحد، مانند کمیساریای عالی پناهندگان، کمیساریای عالی حقوق بشر، مدیر کل سازمان بهداشت جهانی، مدیر اجرایی صندوق کودکان ملل متحد، و دفتر هماهنگی امور بشردوستانه^{۱۰} است.

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ امروز چه ویژگی منحصر به فردی دارد؟

ویژگی کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در مأموریت اصلی آن نهفته است. یکی از نخستین پرسش‌هایی که در نخستین مأموریت میدانی درگیر آن بودم این بود که آیا فعالیت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در عمل به وضوح قابل شناسایی است و به امور اصلی و هویت سازمان مرتبط می‌شود. آیا کاری که ما انجام می‌دهیم با مأموریت ما به نحو متعارفی منطبق است؟ به نظر من برخی از حوزه‌های فعالیت دارای اهمیت راهبردی هستند. برای مثال، بنده نمی‌توانم کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخی را در آینده تصور کنم که از بینشی کاملاً شفاف و دانشی بسیار پیشرفته در حوزه‌ی کمک‌های پزشکی و مقررات خدمات سلامت در زمان بحران‌ها برخوردار نباشد. هم چنین نمی‌توانم کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخی را تصور کنم که در تمام ابعاد مربوط به حمایت از زندانیان خیلی قوی نیست: بیمارستان‌ها و زندان‌ها مکان‌هایی هستند که کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ باید در آن‌ها حاضر باشد. علاوه بر این موارد، می‌توانیم در باره‌ی موضوع تجارت اصلی ما و موارد دیگر صحبت کنیم. این حقیقت که ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که واژه «بشردوستانه» به شدت مورد استفاده قرار می‌گیرد، من را بر آن می‌دارد تا درباره‌ی این امر که فعالیت ما مربوط به مأموریت و هویت مشخص این سازمان است بسیار دقیق باشم.

⁶ NGOs

⁷ Médecins Sans Frontières (MSF)

⁸ OXFAM

⁹ Save The Children

¹⁰ Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA).

ما باید در مورد این حقیقت که همه‌ی فعالیت‌های ما باید به مخاصمات مسلحانه و سایر شرایط خشونت بار مربوط باشد، و نیز این امر که همیشه از مجروحین و بیماران در صحنه‌ی نبرد مراقبت خواهیم کرد، وضعیت بازداشت شدگان را کنترل و بررسی خواهیم نمود، برای حمایت از سیستم‌های مؤثر بهداشت و درمان و سایر نیازهای بشردوستانه‌ی اساسی که در زمان بحران می‌تواند منجر به نجات جان افراد شود تلاش خواهیم کرد به صراحت رفتار کنیم. ارسال کمک‌های اضطراری به جمعیت‌های نیازمند هم چنان به عنوان قسمت اصلی فعالیت ما باقی خواهد ماند. به نظر من، این همان چیزی است که به واقع هویت ما را تشکیل می‌دهد.

در بازدید اخیرم از مرکز درمانی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در کابل، بر من آشکار شد که فعالیت ما نه تنها مفید است بلکه برای مأموریت کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ نسبت به ارائه‌ی امداد رسانی به نیازمندان و حمایت از آنها ضرورت دارد. مصدومین جنگی در آن جا درمان می‌شوند، اما آنها تنها درمان شونده‌ها نیستند. و من فکر می‌کنم که لازم است یک مرکز درمانی داشته باشیم که محدود به درمان قربانیان جنگ نباشد، بلکه عمده‌ی نیازهای درمانی جامعه را برطرف نماید. به هر حال، این امر هم چنان حائز اهمیت است که فعالیت‌های کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ برخاسته از مأموریت اصلی این سازمان است. من در این که به خودمان اجازه دهیم غرق در حوزه‌های عملیاتی گسترده شویم هیچ مزیتی نمی‌بینم. این کار ما را به یک سازمان توسعه سنتی تبدیل می‌کند. اگر ما همواره خود را بیش از هر چیز درگیر تحقق مأموریت خودمان نکنیم، هم خود و هم جامعه‌ی بشردوستانه را مغبون نموده‌ایم. مسئله عدم دخالت در فعالیت‌هایی است که دیگران ممکن است بتوانند آنها را بهتر انجام دهند.

امروزه کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ با چه چالش‌هایی مواجه است؟



نگرش نخست من این بود که تصریح و تعریف فعالیت بی طرف، مستقل و بی غرض از طریق فعالیت و همکاری ما با سایرین چالش اصلی ما است. امروزه متأسفانه، بسیاری از طرفین، بحران‌های بشردوستانه را وسیله‌ای برای نیل به اهداف سیاسی‌ای قرار می‌دهند که هیچ ارتباطی با انسان دوستی ندارند. این امر باید ما را بر آن دارد تا به شرکایمان، دریافت‌کنندگان امداد، جامعه‌ی بین‌المللی و خیرین منظورمان را از فعالیت بشردوستانه‌ی بی طرف، مستقل و بی غرض به روشنی توضیح دهیم. ما باید هنگام توضیح اصول بنیادین و افزایش آگاهی نسبت به آن‌ها با هوشیاری بیش‌تری عمل کنیم. برای مثال، من بسیار نگران فعالیت پزشکی هستیم. من فکر می‌کنم که هنگامی که می‌بینیم چگونه در زمان مخاصمات از بیمارستان‌ها سوء استفاده شده و آن‌ها را مسلح می‌کنند، و چه خطرات فراوانی علیه کارکنان پزشکی و پزشکان به وجود می‌آیند، لازم است تا بارها و بارها بیان کنیم که آمبولانس‌ها، تجهیزات پزشکی، و کارکنان پزشکی نباید در معرض خطر قرار گرفته یا از کار آن‌ها جلوگیری شود. مخاصمات اخیر که توسط رسانه‌ها گزارش شده‌اند نشان داده‌اند که، حتی در اروپا، جایی که ما انتظار مشاهده‌ی اتفاق نظر به نفع انسان دوستی را داریم، برخی از سیاستمداران فکر می‌کنند که قربانیان «بد» و «خوب» وجود دارند- قربانیانی که برخی از آن‌ها باید درمان شده و برخی دیگر مورد توجه کمتری قرار گیرند. بنابراین من فکر می‌کنم که چالش موجود عبارت است از توضیح معنای راستین فعالیت مستقل، بی غرض و بی طرف و اهمیت احترام به موازین اخلاقی در دستیابی به تمام افرادی که به کمک نیاز دارند.

چالش مهم دیگر از حاکمیت دولت‌ها نشأت می‌گیرد. به نظر من تمایل دولت‌ها به اعلام رهبریشان در بسیاری از کشورها پیشرفت مثبتی است: اقتدار و حاکمیت دولت باید تقویت شود تا دولت‌ها بتوانند مدیریت مشکلاتشان را خود بر عهده گیرند. متأسفانه چنین خواسته‌ای گاه ممکن است به دلایل سیاسی به تمایل به

اعمال کنترل بر سازمان‌های مستقل یا جلوگیری از ارزیابی و کمک مستقل تبدیل شود. در این مورد نیز ضرورت دارد که بازیگران دولتی و غیر دولتی اهمیت فعالیت بشردوستانه‌ی مستقل را به عنوان سنگ بنای رویکردی بی‌طرف و بی‌غرض درک کنند. در حالی که دولت‌ها ممکن است، مانند قضیه‌ی سومالی، تلفیق برنامه‌های امداد و توسعه‌ی هدفمند را در برنامه‌های سیاسی و اجرای صلح مناسب بدانند، هم چنین باید یکپارچگی فعالیت بشردوستانه‌ی مستقل را که به نیازمندان فارق از وابستگی سیاسی آن‌ها کمک‌های زندگی بخش ارائه می‌کند رعایت نمایند. در موقعیت‌هایی که دولت و ائتلاف‌های بین‌المللی قادر به اعمال کنترل نیستند، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ باید بتواند به نحوی مؤثر به گروه‌های آسیب دیده دسترسی پیدا کند.

موضوعات بسیار دیگری نیز وجود دارند. من کماکان فکر می‌کنم که رابطه‌ی میان دسترسی و امنیت هم چنان به عنوان یک چالش بزرگ باقی است، گرچه من دشواری ارزیابی عینی دسترسی را قبول دارم. به لحاظ موضوعی، باید اذعان کنیم که امروزه سازمان‌های بشردوستانه‌ی بیشتری در حال فعالیت هستند و کمک بیشتری ارائه می‌شود، اما حوزه‌های راهبردی هم تحت فشار هستند. این چیزی است که بیش از همه به بنده مربوط می‌شود. در مرکز یکی از ویژگی‌ها و قدرت‌های کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ-نزدیکی آن به مخاصمات، قربانیان و حاملان سلاح- تلاش‌هایی می‌شود. هنگامی که این نزدیکی به خطر می‌افتد یا مورد سؤال واقع می‌شود، این امر ما را بیشتر از سازمان‌های دیگر تحت تأثیر قرار می‌دهد. سازمان‌هایی هستند که کارهای فوق العاده انجام می‌دهند، اما این به معنای نزدیکی به میدان نبرد، قربانیان و حاملان جنگ نیست. آن‌ها در مکان‌های غیر قابل دسترس در معرض خطر نبوده و احتمال حمله به آن‌ها کم‌تر است. اگر سازمانی فعالیت‌ها را از مقر کنترل کرده و مسئولیت را به سازمان‌های غیر بین‌المللی داخلی واگذار نماید، این سازمان کمتر تحت تأثیر مستقیم حملات و تداخل فرصت‌های فعالیت بشردوستانه خواهد بود. این امر در مورد ما بسیار متفاوت است. مشارکت کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ با کلیه‌ی طرفین مخاصمه و نزدیکی آن به مردمانی که نیازمند حمایت هستند یکی از توانایی‌های بزرگ و روش دیرین این سازمان است. ما نباید به خودمان اجازه دهیم که گرفتار منطق ترس شویم، زیرا این منطق به این معناست که به شخصی که به ما هجوم آورده اجازه‌ی تحمیل نظراتش در رفتارهایمان را داده‌ایم. توانایی میزبانی و مذاکره با طرفین درگیر به منظور تغییر رفتار آن‌ها، همان چیزی است که در مورد کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ همواره از بیرون تحسین کرده‌ام، و از زمانی هم که در این جا بوده‌ام به تحسین آن ادامه داده‌ام. من فکر می‌کنم که باید مسیر خودمان را در این جهت حفظ کنیم.

باید بگویم که به خاطر کاری که، برای نمونه، در مالی شمالی موفق به انجام آن شدیم بسیار خرسندم. چند ماه پیش، دولت‌ها می‌گفتند که کار کردن در چنین شرایطی غیرممکن است، این کار بسیار خطرناک است، با توجه به مشکلات ناشی از مشارکت با همه‌ی متخاصمان نمی‌توانید در این حوزه‌ها فعالیت نمایید، اما ما در

صدد برقراری ارتباط برآمدیم، و برای مذاکره درباره‌ی سازوکارهای امنیتی تلاش کردیم. به عقیده بنده، این مثال خوبی برای چگونگی پاسخ دهی به چالش دسترسی است.

حال که درباره‌ی چالش‌های بیرونی صحبت کردیم، برخی از چالش‌های درونی برای کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ کدام‌ها هستند؟

امروز با استخدام بیش از 13000 کارمند در بیش از هشتاد کشور، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در طول 150 سال اخیر به یک سازمان بین‌المللی مهم تبدیل شده است. در مقایسه با سایر نهادهای بین‌المللی، مأموریت کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ حوزه‌های زیادی از سلامت تا تغذیه، ردیابی گمشدگان تا بازرسی مراکز بازداشت را تحت پوشش قرار می‌دهد. این اندازه و میزان از فعالیت مستلزم یک ساختار مدیریتی اصولی و انعطاف پذیر است تا بتواند در یکی از دشوارترین محیط‌های جهان فعالیت کند. با مقایسه‌ی جایگاه کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در چند سال گذشته در می‌یابیم که این سازمان امروز در فرآیند مدیریتی خود به ویژه با استفاده از فناوری‌های هوشمند، هشیارتر و زیرک‌تر شده است، اما قطعاً باید در این جهت گام‌های بیش‌تری بردارد.

من کسی نیستم که باور داشته باشد که راهکارهای اصلی مدیریتی ناشی از فناوری‌های نوین هستند. اما فکر می‌کنم که فناوری نوین می‌تواند از راهکارهای مدیریتی خوب حمایت کند. برای مثال من معتقدم که سازمانی که در سال بیش از 170 میلیون فرانک سوئیس¹¹ خرج کالاهای امدادی در چهار قاره می‌کند هم چنان باید برای مدیریت مؤثر این جریان کالاها تبحر پیدا کند. این امر مستلزم یک مدیریت قوی از زنجیره عرضه و کانال‌هایی است که ما را موفق به دسترسی هدفمند و مناسب به افرادی که به کمک فوری نیاز دارند می‌کند - به شرطی که ما جهش شایسته‌ای به دیجیتالی شدن داشته باشیم.

ما هم چنین باید درباره‌ی این که چگونه کار داوطلبانه را، که عمیقاً در جامعه‌ی بشردوستانه‌ی جهانی ریشه دارد، با حرفه‌ای سازی کار بشردوستانه بهترین نحو در آینده ترکیب کنیم کاملاً فکر کنیم. یکی از نقاط قوت جامعه‌ی بشردوستانه این است که هنوز در همه جا، به ویژه در موارد اضطراری بر داوطلبان تکیه می‌کند. در سفرهایی که داشتیم، از دیدن شمار داوطلبانی که برای حمایت از فعالیت بشردوستانه کار می‌کردند شگفت زده شدم. در عین حال، مخاصمات در حال پیچیده شدن هستند، شبکه‌ی سازمان‌ها به نحو فزاینده‌ای پیچیده شده‌اند، و انتظارات از مسئولیت پاسخ‌گویی کارکنان بشردوستانه مدام در حال رشد است. ما با مدیریت چالش‌ها و مسائل دشواری مواجه هستیم و با چارچوب‌های حقوقی بسیار پیچیده‌ای سرکار داریم. ما در

¹¹ Editor's note: See ICRC Annual Report 2011, Section 'Delivery of Assistance Items in 2011', pp. 482-483, available at: <http://www.icrc.org/eng/resources/documents/annual-report/icrc-annual-report-2011.htm> (last visited November 2012).

جایگاهی نخواهیم بود که بدون برخورداری از کارکنان متخصص، متمرکز و آموزش دیده در تمام سطوح حوزه‌ی بشردوستانه از عهده‌ی امور برآییم.

در نهایت، اگر ما به منظور تقویت و تبحر در مدیریت و رهبری فعالیت بشردوستانه خواستار پیشرفت بیشتر فعالیت بشردوستانه در آینده - 5 سال آتی، 10 سال آتی- هستیم، از دیجیتالی شدن کارهایمان از طریق زیرساخت‌های الکترونیکی، راه‌های ساده تر تبادل اطلاعات، و فناوری مدرن گریزی نیست. اتصال کارمندان یک سازمان به شبکه‌ی اینترنتی در طول زمان موجب ارتباط دانش عملی سازمان و اهلیت حقوقی آن با حوزه‌های امدادسانی و حمایت می‌شود. تا زمانی که ما در چارچوب سلسله مراتبی کار می‌کنیم، باید خود را در معرض محدودیت‌های سازمانی قرار دهیم. اما اگر از چند سال آتی نیز برای برقراری ارتباط بهتر و ایجاد روابط داخلی و رابطه با شرکای اصلیمان استفاده کنیم، به نظر من این امر به تقویت سازمان کمک خواهد کرد.

نقش کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ را در نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر چگونه می‌بینید؟

هنگامی که فعالیت خود را در کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ آغاز کردم، و حتی پیش از آن، وقتی به این موضوع از بیرون نگاه می‌کردم، همواره فکر می‌کردم که تعلق به یک نهضت برای سازمان قدرتی عظیم و امتیازی بزرگ محسوب می‌شود. این امری است که من بسیار به آن می‌اندیشم. من گمان نمی‌کنم که منحصر بودن در دنیا به خودی خود امتیاز بزرگی باشد. با استفاده‌ی صحیح از این واقعیت که ما تنها نیستیم و خانواده‌ی ای متحد و محیطی حمایتی داریم نتایج فوق‌العاده‌ای می‌توانیم به دست آوریم. و من معتقدم که ما باید در روابطی که در این نهضت داریم سرمایه‌گذاری کنیم.

دو چیز وجود دارد که همه ما از آن آگاهیم. امروزه وضعیت‌هایی داریم که جوامع ملی به شدت سردمدار آن‌ها هستند و کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ نیز به همکاری قوی در این امور علاقمند است. در بساطی از وضعیت‌ها و عملیات‌ها، ما با جوامع ملی صلیب سرخ و هلال احمر کار می‌کنیم، و تقویت این روابط منفعت متقابل ما است. ما شاهد جوامع ملی بیش‌تر و بیش‌تری هستیم که فعالیت‌هایشان دارای ابعاد بین‌المللی است، و ما به تلاش برای ارائه‌ی پاسخی واحد از طرف تمام کسانی که به عنوان اعضای یک خانواده گرد هم می‌آیند و بر مبنای اصول مشترکی فعالیت می‌کنند علاقه‌ی زیادی داریم. در انجام این کار، همیشه لازم نیست که ماشین‌آلات پیچیده داشت یا از مکانیسم‌های طراحی پیچیده برای اتخاذ تصمیم برخوردار بود - اما ما باید با یکدیگر صحبت کنیم، باید ببینیم که آیا در حال حرکت به سوی یک مسیر هستیم، آیا روایتی مشترک داریم، و به سازکارهایی که برای حوزه‌های متفاوت پذیرفته شده‌اند احتیاج داریم. ما باید از قدرت این نهضت با توجه به حوزه‌های متفاوت بهره ببریم.



فرآیند آخرین کنفرانس صلیب سرخ و هلال احمر حوزه‌های کلیدی و قطع نامه‌های این نهضت را نشان می‌دهد که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تمایل زیادی به آن‌ها دارد. استفاده از ساختارهای موجود برای گسترش پایه‌ی آن‌هایی که از این حوزه‌های کلیدی حمایت می‌کنند کاملاً به نفع ما خواهد بود. بنابراین به نظر من مشارکت در همکاری‌های راهبردی تر و همکاری‌های میدانی و نیز دفاع از ارزش‌های بشردوستانه در طیف وسیع حوزه‌های موجود در نهضت مزایای زیادی دارد. از نظر من نهضت فرصتی برای مشارکت‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. من قطعاً خود را به تضمین ادامه‌ی بیان و تقویت این رویکرد توسط کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در آینده متعهد می‌نمایم.

نظر شما درباره‌ی دیپلماسی بشردوستانه چیست؟

هنگامی که من از عملیات‌ها، تدوین قوانین، و سیاست بشردوستانه صحبت می‌کنم، آن‌ها را به عنوان حوزه‌های جداگانه در نظر نمی‌گیرم. سیاست بشردوستانه از خط‌مشی‌های دیپلماتیکی تشکیل شده است که برای ارتقای منافع و فعالیت‌های ما به کار بروند. بدین ترتیب، اگر من به کشوری یا به یک کنفرانس بین‌المللی بروم، برای این به آن جا می‌روم که میان بحث‌هایی که در این کنفرانس‌ها- در سازمان ملل متحد، در جنبش عدم تعهد، کنفرانس پان آفریقایی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر- رخ می‌دهد ارتباط ایجاد کنم، هم چنین من به آن جا می‌روم تا عملیات کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ را ارتقا دهم، حمایت لازم را برای تدوین قوانین جلب کنم و نسبت به کاری که انجام می‌دهیم پشتیبانی به دست آورم. در مشاغل سابقم، این امر که در دیپلماسی دولت‌ها میان حوزه‌های دو جانبه و چندجانبه اصطکاک و جدایی وجود داشت همواره مرا آزرده

می‌کرد. در جایی که دیپلماسی بشردوستانه دخیل است باید از این جدایی پرهیز کنیم. چیزی به عنوان دیپلماسی بشردوستانه انتزاعی، که طی بحث‌های سیاسی و دیپلماتیک مجرد، و در اتاق‌های کنفرانس مجازی رخ دهد، وجود ندارد.

چالش عظیم دیپلماسی بشردوستانه عبارت است از تقویت فعالیت بشردوستانه‌ی عملیاتی از طریق شرکت در مجامع دیپلماتیکی که مباحث بشردوستانه در برنامه‌هایشان قرار دارد. این چالش همان استفاده از دیپلماسی بشردوستانه برای جلب حمایت سیاسی مورد نیاز برای عملیات‌ها در این زمینه است. من فکر می‌کنم که این پویا باید ایجاد، حفظ و توسعه داده شود. به عنوان کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ هنگامی که در یک کنفرانس بین‌المللی شرکت کرده و درباره‌ی واقعیت‌ها در این زمینه صحبت می‌کنیم، به دقت به ما گوش داده می‌شود. هنگامی که برای فعالیت‌های بشردوستانه از حمایت سیاسی برخوردار شویم، می‌توانیم به میزان قابل توجهی فعالیت‌مان را در این حوزه تقویت کنیم. دیپلماسی بشردوستانه به معنای توانایی ورود به این چرخه‌ی در حال تقویت میان عملیات‌ها، تدوین قوانین و مباحثات دیپلماتیک و سیاسی است.

درباره‌ی گفت و گو با بازیگران مسلح چه طور؟ چگونه بهتر می‌توانیم آن‌ها را به رعایت حقوق بشردوستانه وادار نماییم؟

به عقیده‌ی من صحبت کردن با تمام حاملان سلاح خط مبداء این سازمان است. «صحبت کردن» نه تنها به معنی مذاکره درباره‌ی دسترسی عملیاتی و سازوکارهای امنیتی به منظور امداد رسانی است، بلکه همچنین شامل قصد تاثیرگذاری بر رفتار- اصلاح استدلال‌ات، بسط ارزش‌ها و استانداردهای مهم- نیز می‌گردد. من فکر می‌کنم که در این حوزه‌ی پیش‌گیرانه و آموزشی باید به بهترین روش فعالیت توجه کنیم. من باور دارم که باید از رفتار کردن مانند معلمان مدرسه خودداری کنیم و در عوض سعی کنیم فرصت‌های ممکن و استدلال‌هایی که می‌توانیم به کار ببریم را پیش‌بینی کنیم. احتمالاً زمانی فکر می‌کردیم که بهترین روش کار با گروه‌های مسلح و تاثیرگذاری بر رفتار آن‌ها استفاده از ابزارها و استدلال‌های یکسان است، و تمام کاری که باید انجام می‌دادیم این بود که یک چیز را بارها برای آن‌ها تکرار کنیم تا به این تصمیم برسند که حق با ماست. من تصور نمی‌کنم که این نوع کار می‌تواند بدان صورت انجام شود. در مقابل، ما باید بپذیریم که تنها در صورتی موفق خواهیم شد که گروه‌های مسلح و تفکرشان، چپستی مشکلات، و این امر را که آیا می‌توانیم استدلال‌هایمان را بدون انطباق با ارزش‌ها، معیارها و منافعمان با آن‌ها سازگار کنیم درک نماییم. این امر بیش از هر چیز، بحثی مرتبط با شیوه و عملکرد است، و من پاسخ بی‌درنگی برای آن ندارم. اما می‌دانم که این بُعدی است که نیازمند اصلاح بیش‌تر است.

چالش‌های کلیدی پیش‌روی حقوق بین‌الملل بشردوستانه چه هستند؟

علاوه بر مأموریت‌هایی که در آخرین کنفرانس بین‌المللی دریافت کردیم، و قبلاً هم روی آن‌ها کار می‌کردیم، مسائلی درباره‌ی تطبیق استانداردها با واقعیت وجود دارد. ماهیت و نوع مخاصمات، ویژگی‌های طرفین این مخاصمات همگی در حال تغییرند و فضای جنگی که مخاصمات مسلحانه در آن واقع می‌شوند تحت فشار فناوری جدید و ماهیت فراملیتی جنگ‌های امروزه در حال دگرگونی است. این مشابه همان چیزی است که درباره‌ی تعامل میان امور حقوقی، عملیات و دیپلماسی بشردوستانه عرض کردم. ما باید مراقب مشکلات جدیدی که رخ می‌دهند باشیم و در صورت ضرورت از طریق تفسیر حقوقی، تشریح یا تدوین قوانین به آن‌ها پاسخ دهیم. بنابراین بایستی در راستای شفاف‌سازی قواعد به نحوی که در مخاصمات فعلی اعمال می‌شوند تلاشی مداوم وجود داشته باشد.

اگر فرض نخست من مبنی بر این که در سال‌های آتی به مواجۀ با شمار قابل توجهی از مخاصمات متعارف میان نهادهای مسلح - دولت یا غیر دولت - ادامه خواهیم داد صحیح باشد بدین ترتیب شفاف‌سازی قواعد موجود که اغلب برای نظامیان دولت‌های سنتی درگیر در مخاصمات متقارن تدوین شده‌اند امری ضروری خواهد بود. یکی از مسائل حائز اولویت این است که به چالش‌های حقوقی به عنوان امور تجربیدی میان دانشگاهیان نگاه نشود بلکه به نیازهای حمایت و مشارکت که در عرصه‌ی جنگ به وجود می‌آیند توجه شود. هنگامی که یک گروه مسلح یا فرماندهی نظامی می‌پرسد که چگونه از تکالیف مربوط به اقدامات احتیاطی، تناسب و هدف‌گیری در هدایت مخاصمات پیروی کند، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ باید بتواند به روشی بسیار دقیق پاسخ گو باشد. یک نظریه‌ی حقوقی بیست صفحه‌ای گرچه در توسعه‌ی دکترین کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ اهمیت دارد اما در چنین شرایطی مفیدترین پاسخ نخواهد بود. لازم است که ما بتوانیم این نکته را که چرا پیروی از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه از منظر حقوقی، اخلاقی و حرفه‌ای ضروریست به زبان عامیانه تشریح نماییم.

آیا نیازی به شناساندن بیش‌تر حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود دارد؟

شناساندن، تطبیق و تفسیر به واقع چالش‌های بزرگی هستند. من فکر می‌کنم که توانایی توضیح قوانین در شرایط عملی واقعاً مهم است. ما باید توانایی پاسخ دهی به پرسش‌های حقوقی حاملان سلاح را داشته باشیم و به آن‌ها توضیح دهیم که چگونه باید رفتار کنند. هم چنین لازم است تا فهرستی از مسائلی را که در زمان ایجاد حقوق بین‌الملل بشردوستانه پیش بینی نشده بودند تهیه کنیم؛ برای مثال، هدایت مخاصمات در نواحی شهری به یک مشکل واقعی مبدل شده است. چگونه باید به یک فرماندهی نظامی که ضرورتاً سوء نیت ندارد و دارای پرسش‌های مشروع عملیاتی است پاسخ دهیم؟

فارق از اختیاراتی که شامل توسعه و بازیابی قوانین می‌شوند، باید از این امر که ظرفیت حقوقی ما در سطح عملی مفید است اطمینان حاصل نماییم. سپس چالش‌های آشکار و حوزه‌های موضوعی وجود دارد: همه دارند درباره‌ی جنگ سایبری، استفاده از پهبادها و روبات‌ها در مخاصمات و امثال آن‌ها صحبت می‌کنند، بنابراین ما هم باید بتوانیم هدف خود را در بحث راجع به تدوین قوانین ادامه دهیم و ملاحظه کنیم که آیا این امر ضروری است- و اگر هست، چگونه این پدیده‌های جدید را با مجموعه قوانین موجود همسو نماییم. برای شناسایی احتمالات ممکن برای عمل، هم چنان نیاز به کار بیش تری است. از یک طرف می‌توان خلأهای موجود را شناسایی کرد یا قوانین موجود را به مقدار کافی شفاف تلقی نمود. از طرف دیگر، می‌توان گفت برای آن که نشان دهیم قوانین چگونه اجرا می‌شوند و کدام مقرراتِ قوانین موجود از دیدگاه ما به پدیده‌های جدید مربوط می‌شوند آموزش امری ضروری است. برای کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ مهم است که در این مسائل حق اظهار نظر داشته باشد.

در پایان، لازم است تا بر میزان تمایل کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ به همکاری با دولت‌ها در تدوین و تفسیر قوانین تأکید شود. از زمانی که من به کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ آمده‌ام، نمایندگان دولت‌ها همواره به من می‌گفتند که دولت‌ها علاقه‌ی زیادی به شرکت در تدوین، تشریح و تفسیر قوانین دارند. این امر مستلزم مشارکت مداوم و شفاف با دول متعاقد معظم است. ما باید روش‌های مناسبی برای همکاری با دولت‌ها تدبیر کنیم که در بر دارنده‌ی نحوه‌ی نگاه آن‌ها به امور مختلف باشد؛ به هر حال، آن‌ها امضا کنندگان کنوانسیون‌ها هستند. و من نمی‌خواهم که این مسئله به عنوان موضعی تدافعی تلقی شود. به نظر من، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ وظیفه دارد تا در این مسائل رهبری را بر عهده بگیرد و به شیوه‌ای مستقل و عینی پرسش‌های خوبی طرح کند و از تدوین‌هایی که به نظر ما مناسب‌ترین و مؤثرترین هستند حمایت کند. اما ما نباید از منافع‌ی که دولت‌ها در بحث از امور حقوقی و هدایت کنش‌گرایانه‌ی تدوین قوانین دارند بیم داشته باشیم. من شخصاً این امر را به عنوان یک پدیده‌ی کاملاً مثبت تلقی می‌کنم. ما باید از این حقیقت استقبال کنیم که این منفعت وجود دارد. سپس باید مباحثات را دنبال کنیم، تا حوزه‌های وفاق و امکان فعالیت را شناسایی کنیم، و شاید هم چنین باید از مناقشات نهراسیم.